

بدلسازی کوچک از یک حرکت عظیم معنوی

فرقه‌های انحرافی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حمیدرضا مظاهری‌سیف...



فرقه‌های انحرافی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حمیدرضا مظاهری‌سیف
بدلسازی کوچک از یک حرکت عظیم معنوی

فاطمه داوودی: شکل‌گیری جنبش‌های نوین معنوی و استقبال مردم از آموزه‌های آنها، اتفاقی است که در سال‌های اخیر مشکلاتی را در سطح جامعه به‌وجود آورده است.

عرفان‌های کاذب هر روز در جامعه‌ای نو ظاهر می‌شوند و تعدد و تنوع آنها موجب شده برای هر گروهی با نیازها و خواسته‌های گوناگون، نسخه‌ای داشته باشند. کمرنگ‌شدن گرایش برخی به حقیقت مذهب نیز شرایط را بیش از پیش برای فعالیت این فرقه‌ها فراهم کرده است. کمبودهای فرهنگی که به پیدایش و گسترش چنین مکاتبی در ایران منجر شده است، موضوع گفت‌وگوی ما با حجت‌الاسلام حمیدرضا مظاهری‌سیف، پژوهشگر مکاتب نوظهور و موسس انجمن بهداشت معنوی است که از نظرتان خواهد گذشت.

8226• به‌نظر شما فرقه‌های انحرافی با استفاده از کدام خلأهای فرهنگی در سطح جامعه شکل گرفته‌اند؟
خلأهای فرهنگی موجود در جامعه را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد که البته هر یک از آنها نیز زیرشاخه‌های متعددی دارند. نخستین مشکل به حوزه نگاه‌های کاربردی و روانشناسانه نسبت به زندگی مربوط می‌شود. ما در این زمینه با خلأ جدی روبه‌رو بودیم و این کمبود را با نظریه‌های روانشناسانه‌ای که با فرهنگ و ارزش‌های معنوی‌مان سازگار نبودند پر کردیم. در واقع ذخیره‌ای که مشاوران برای رفع نیازهای مخاطبان و پاسخگویی به پرسش‌های آنها مورد استفاده قرار می‌دادند، بیمار بود؛ برای مثال بیشتر روانکاوان از نظریه‌های فروید و یونگ بهره می‌بردند.

این در حالی است که معنویت‌های نوظهور و عرفان‌های کاذب، در همین نظریه‌ها ریشه دارند. بنابراین در مسائل کاربردی و نیازهای عملی که افراد در زندگی خود همواره با آن مواجه می‌شوند، خلأ تئوریکی وجود داشت که با برخی از نظریه‌های بیمار پاسخ داده می‌شد همچنین به‌دنبال خود، معنویت و عرفان هماهنگ با آن ارزش‌ها، معیارها و مبانی را نیز ایجاد می‌کرد؛ به این ترتیب زمینه برای پیدایش و گسترش جنبش‌های نوین معنوی در جامعه فراهم شد. این مسئله یکی از ابعاد قابل بررسی در این زمینه است که در جای خود باید مورد تبیین قرار گیرد و به‌طور دقیق و جزئی موشکافی شود. خلأ فرهنگی دیگر، در حوزه معارف دینی بود چراکه عرفان و معنویت اسلامی به‌گونه‌ای شایسته و بایسته ارائه نشده است. از آنجا که معمولاً عرفان اسلامی با زبانی بسیار پیچیده و سخت مطرح می‌شود، نمی‌تواند به نیازهای مردم پاسخ دهد. معمولاً در آستانه بلوغ، نیازها، پرسش‌های معنوی، امیال و گرایش‌های متعالی در وجود انسان بیدار می‌شود و جوانان با قلبی شیدا، عشق به خدا را درون خود احساس می‌کنند. از این‌رو اگر مسائل معنوی با قالب و محتوای روان و جذاب به آنها عرضه نشود، فضا برای ظهور و بروز مدعیان معنویت که از ادبیات جذابی استفاده می‌کنند و قالب‌های دلپسندی را به‌کار می‌گیرند، فراهم می‌شود. در چنین شرایطی فرقه‌های انحرافی سر بر می‌دارند و به شکلی کاذب و ناکارآمد به نیازهای مردم پاسخ می‌دهند که ممکن است آسیب‌هایی نیز در پی داشته باشد.

در واقع یکی از مشکلات اساسی ما ارائه معنویت اسلامی با شیوه‌های صحیح و محتوای جذاب است. امروزه محتوای معارف اسلامی بسیار سطح بالا و دیرپاب بیان می‌شود. بنابراین باید معنویت و عرفان اسلامی در سطوح مختلف و با زبان‌های گوناگون، برای اقشار متفاوت جامعه مطرح شود؛ اما این اقدام تاکنون صورت نگرفته است. بی‌توجهی به این کمبود سبب می‌شود همچنان عرصه برای جولان و گسترش عرفان‌های کاذب باز بماند. از سوی دیگر خلأهای مدیریتی هم در فضای فرهنگی جامعه وجود دارد. یکی از مشکلات ما این است که متصدیان امور فرهنگی آگاهی لازم نسبت به مسائل معنوی ندارند، از این‌رو به راحتی به ابزاری برای زمینه‌سازی و گسترش عرفان‌های کاذب در جامعه تبدیل می‌شوند. البته نمی‌توان آنها را به داشتن مقاصد سوء متهم کرد بلکه در بسیاری مواقع از روی ناآگاهی چنین اتفاقی می‌افتد. معمولاً کتاب‌های مربوط به جنبش‌های نوین معنوی نیز با عنوان‌های جذابی به چاپ می‌رسد که مشابهت زیادی با مفاهیم و آموزه‌های ارزشی و دینی ما دارد. ناآگاهی مسئولان و مدیران فرهنگی نیز مزید بر علت می‌شود و شرایط لازم برای فعالیت عرفان‌های کاذب را فراهم می‌کند. نمونه‌های سوءمدیریت در این حوزه بسیار است، تا جایی که گاهی یک وزیر از فردی که به‌عنوان شخصیتی معنوی در دنیا شناخته شده است اما در باطن افکار فاسدی دارد، تجلیل می‌کند، به این دلیل که دیده یا شنیده که وی کتاب‌های پرفروش بسیاری در حوزه معنویت نوشته است. با چنین شاخص‌های محدودی نظیر تعداد یا فروش

کتاب‌ها، هر فردی قضاوت نادرستی خواهد داشت. در چنین مواقعی باید مدیران ما به کارشناسان و نخبگان منفصل از قدرت مراجعه کنند. افرادی که گرچه مسئولیت‌های دولتی بر عهده ندارند ولی سر رشته مطالب دستشان است. شاید برخی از مدیران پیش از این در شمار نخبگان فرهنگی بوده‌اند اما خواه‌ناخواه کسانی که با مشغله‌های اجرایی، آن هم در چنین سطحی دست به گریبانند، نمی‌توانند تمام مسائل را در تصمیم‌گیری‌هایشان مورد توجه قرار دهند، به همین دلیل نخبگان متصل به قدرت ناگزیرند که از دانش و اطلاعات نخبگان منفصل از قدرت بهره‌مند شوند. جدایی این دو گروه از یکدیگر، به کمبودهای موجود دامن می‌زند و سوءمدیریت را در پی دارد.

&8226#8226؛ چه دلایلی سبب استقبال مردم از جنبش‌های نوین معنوی شده است؟
همانطور که عرض کردم مردم ناگزیرند نیازهای روزمره، عملی و کاربردی زندگی‌شان را با استفاده از نظریه‌های بیمار و نادرست برآورده کنند از سوی دیگر به معنویت حقیقی دسترسی ندارند و اگر بخواهند به حقیقت دست پیدا کنند، مجبور به گذر از راهی صعب‌العبور هستند. کتاب‌های حجیم، زبان سخت و اصطلاحات سنگین عرفان اسلامی، حرکت به سوی آن را دشوار کرده است؛ از این‌رو فضای فرهنگ عمومی به سمتی پیش می‌رود که افراد ناگزیرند به آنچه در دسترس‌تر، جذاب‌تر و کاربردی‌تر است روی آورند.

&8226#8226؛ پیش از این هم معارف دینی ما در همین قالب ثقیل بیان شده است، اما چرا در دهه اخیر شاهد دور شدن مردم از این معارف و اقبال عمومی به سمت فرقه‌های انحرافی و جنبش‌های نوین معنوی هستیم؟
به این دلیل که بسترهای فرهنگی و اجتماعی تغییر کرده‌اند. مردم در گذشته کمتر نسبت به فراگیری معنویت احساس نیاز می‌کردند و زندگی عموم افراد به سادگی از نظر معنوی ارضا می‌شد همچنین در زندگی‌های ساده گذشتگان ما، مردم مشغله‌های کمتری داشتند و راحت‌تر می‌توانستند زندگی و شرایط روحی خود را مدیریت کنند و از آنجا که برخلاف امروز، حجم اطلاعات به سمت آنها سرازیر نمی‌شد، معنویتی عمل محور را دنبال می‌کردند. در معنویتی که امروز مردم در پی‌اند، آگاهی نقش محوری پیدا کرده است. مردم مانند گذشتگان برای ارضای معنوی به زیارت و چند رکعت نماز بیشتر روی نمی‌آورند بلکه ترجیح می‌دهند کتاب‌های بیشتری مطالعه کنند. به دلایلی این تغییر مفید است و می‌تواند اولویتهایی نسبت به سبک معنویت‌گرایی در گذشته داشته باشد اما از برخی جنبه‌ها نیز آسیب‌زا است چراکه گاهی احساس می‌شود با دنبال کردن معنویت نظری و ذهنی، نقش عملی معنویت در زندگی روزمره افراد کاهش می‌یابد. از سوی دیگر منابع مطالعاتی لازم و کافی برای معنویت‌گرایی آگاهی محور در دسترس نیست.

&8226#8226؛ بیشتر چه افرادی از این نوع معنویت استقبال می‌کنند؟
در یک دسته‌بندی کلی می‌توان تیپ‌های افرادی را که به معنویت گرایش دارند به دو گروه تقسیم کرد؛ کسانی که بیشتر در پی مسائل عملی هستند و افرادی که از منابع نظری استقبال می‌کنند. افراد عملگرا ممکن است از یک استاد معنویت دستورالعملی برای رشد معنوی طلب کنند اما گروه دیگر سؤالات فلسفی می‌پرسند و در پی‌اند که بینش خود را نسبت به زندگی و جهان اصلاح کنند؛ مسلماً نگاه دوم زیربنایی‌تر است و امتیازات بیشتری دارد اما چنان‌که عرض کردم مشکلاتی هم در پی دارد. عملگراها نیز به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی افراد بیشتر به سمت عبادت سوق پیدا می‌کنند که در این مواقع استادان معنویت هستند که تشخیص می‌دهند چه برنامه‌ای را برای چه فردی و با چه میزان استعدادی باید ارائه داد، برخی به سمت ریاضت‌های شرعی پیش می‌روند و گروهی دیگر به خدمت به مردم تمایل دارند. به عبارت دیگر هر کس با توجه به ویژگی‌های روحی و روانی خود، با بهره‌گیری از روش و شیوه تربیتی خاصی می‌تواند به سمت تعالی حرکت کند. گاهی اوقات این تفاوت‌ها در دوره‌های تاریخی به دلیل تحولات فرهنگی، به شکل برجسته‌ای بروز پیدا می‌کند. از جمله همین موضوعی که عرض کردم، ما در گذشته بیشتر افرادی عملگرا داشتیم و امروزه گرایش نظری در مردم دیده می‌شود.